

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق (۲۰۲۰-۲۰۱۰)

علی جدیدی^۱

سوناز نصیری^۲

سید صاحب برزین^۳

چکیده

یکی از تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تاثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت بوده است. کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و موثرتر یافته‌اند. کشور ایران، از هزاران سال پیش تاکنون، چه به عنوان کشور و تمدنی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز در چهار راه تمدن‌های بزرگ بشری؛ و چه در عصر کنونی به مثابه کشوری با کوله‌باری از تاریخ، فرهنگ و تمدن در قلب بحران‌های منطقه‌ای، و از سوی دیگر موقعیت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب مذهبی در دنیای جدید؛ بعنوان کانون تولید کننده قدرت نرم مطرح بوده است. بر این اساس پرسش اصلی که در این پژوهش مطرح شده این است که منابع فرهنگی قدرت نرم ایران در کشور عراق چیست؟ فرضیه مطرح شده برای سؤال اصلی این پژوهش حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران، منابع فرهنگی قدرت نرم متعددی را در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ شامل؛ جایگاه‌های والای مرجعیت در دو کشور، ریشه‌های ایرانی کشور عراق، گسترش زبان و ادبیات فارسی، آیین‌ها و رسومات، فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز، پیشرفت دانش در ایران، حضور درصد قابل توجهی از شیعیان در ایران و عراق، سازمان‌های فرهنگی فعال ایران در منطقه و وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور می‌باشد. در مجموع این تحقیق به هدف بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید بین سال‌های (۲۰۲۰-۲۰۱۰) تدوین گردیده است. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار؛ کتابخانه‌ها، مجلات علمی، سایت‌های معتبر علمی، پایان‌نامه‌ها، مقالات معتبر علمی می‌باشد.

کلیدواژگان: جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم، عراق، فرهنگ.

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران. (نویسنده مسئول)

jadidi.ali2008@yahoo.com

۲. مربی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

اشتراکات در دین، تاریخ، فرهنگ و بویژه مذهب، دو ملت همسایه جمهوری اسلامی ایران و عراق را با پیوندهای عمیق و ناگسستنی به هم وصل می‌کند. به سبب وجود همین پیوندها و پیوستگی های فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی، میان عراق با ایران، روابط و مناسبات پیوسته ای میان دو کشور در سطوح سیاسی و اقتصادی و فرهنگی وجود داشته است. در پیشبرد سیاست خارجی هر کشور مولفه قدرت، نقش اساسی را ایفا می‌کند. از نظر پروفیسور جوزف نای استاد دانشگاه هاروارد، قدرت به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است و راه های متعددی برای این اثرگذاری وجود دارد؛ مانند متقاعدسازی، تهدید کردن از طریق پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها. به نظر نای قدرت در یک طبقه بندی به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود که قدرت سخت مبتنی بر سیاست تهدید و تشویق برای رسیدن به خواسته ها و منافع یک کشور است و قدرت نرم نیز توانایی به دست آوردن خواسته ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا تشویق است. قدرت نرم در مقابل قدرت سخت معنا پیدا می‌کند، این نوع قدرت بعضی وقت ها با انواع و اشکال دیگری "قدرت مدنی"، "قدرت اقناعی"، "قدرت هنجاری"، و قدرت انگاره ای" نیز مترادف شمرده می‌شود.

وجه مشترک همه این انواع قدرت تأکید بر تاثیر و نقش عوامل و عناصر غیرمادی قدرت در عرصه بین الملل است. قدرت نرم "توانایی تاثیرگذاری بر دیگران از طریق ابزارهای هم دست کننده و همکاری جویانه تنظیم دستور کار، تشویق و اقناع، و جاذبه به منظور دستیابی به نتایج مطلوب است". جذب و اقناع دیگران نیز از طریق هنجارها، ارزش ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار، اخلاق و فرهنگ بدست می‌آید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ۹۰).

از دلایل اهمیت موضوع قدرت نرم، این است که بی توجهی به آن باعث کاهش مشروعیت در سطح بین الملل می‌شود. عراق همواره از نظر ایران یکی از مهمترین کشورهای همسایه اش در منطقه بوده است. رابطه میان مردم و دولت مردان ایران و عراق قدمتی زیادی دارد. بر پایه این پژوهش، شواهد عینی نشان می‌دهد قدرت نرم ایران، در کشور عراق مشهود است. از این رو تحقیق کنونی به بررسی قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق جدید از سال ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۰ می‌پردازد. و به این سوال پاسخ می‌دهد که منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید طی سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ متعدد بوده اند.

مباحث نظری پیرامون مفهوم قدرت نرم

معنای قدرت نرم

فرهنگ هر کشور به همان میزان که دافعه دارد می تواند جاذبه هم داشته باشد و در اینجا صرفاً قدرت نرم است که می تواند جلوه مثبتی از فرهنگ و سیاست کشورها در ذهن جهانیان ایجاد کند. قدرت نرم به تلاشی گفته می شود که هدف مستقیم آن تأثیر بر باورهاست (Nye, 2004: 10) آنچه از فحوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه بر می آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه هایی از این سنخ است. این قدرت در مقابل قدرت نظامی یا به عبارتی قدرت سخت به کار می رود. عوامل ایجاد کننده یا تقویت کننده این نوع قدرت بر حسب تعاریف ارائه شده عبارتند از: موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان ها، ارزش ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود و ایجاد ابراز صمیمیت (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۱۶). قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت بدون به کارگیری تهدید، زور، و اجبار و پرداخت پاداش و تطمیع، به صورت غیرمستقیم و نامحسوس اعمال می گردد. جاذبه های ارزشی، هنجاری و فرهنگی یک کشور را قادر می سازد تا دیگران را با صرف هزینه مادی و معنوی کمتری جذب سیاست ها و اهداف خود کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ۹۰) به گمان نای، ویژگی استفاده از قدرت، راههای گوناگونی است که می توان با استفاده از آنها به نتایج مطلوب رسید. او بر این اعتقاد است که برای تشویق و ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه اصلی وجود دارد که عبارتند از: اجبار، پاداش، و جذب و اقتناع یا قدرت نرم. او سه مهارت را در فرایند اعمال قدرت نرم لازم می داند: مهارت اول، هوش هیجانی است که بر توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران دلالت دارد. مهارت دوم شکل دادن به تصویری از آینده است به نحوی که بتواند باعث جذب دیگران شود و سومین مهارت با قابلیت های ارتباطی مربوط می شود که مهارت های کلامی و نیز امکان بهره گیری از ابزارهای ارتباطی غیرکلامی را در بر می گیرد. این سه مهارت در قدرت نرم می بایست با مهارت های مربوط به قدرت سخت در سامان ها، سیاست ها و غیره ترکیب شوند. نای به گونه ای ضمنی اذعان دارد که نهاد های جامعه مدنی

مانند سازمان های مردم نهاد، دانشگاه ها، کلیساها، موسسات و سایر گروه های غیر دولتی از جمله کانون های تولید کننده قدرت نرم به شمار می آیند. او این اعتقاد را بر مبنای این فرض بیان می کند که دولت نمی تواند و نباید بر فرهنگ کنترل داشته باشد (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۸).

ویژگیهای قدرت نرم

قدرت نرم دارای ویژگیهایی است که آن را از سایر انواع قدرت متمایز می سازد: ۱- قدرت نرم یک رابطه است. قدرت نرم یک منظومه واحد و متشکل از اجزای مرتبط و متقابل است که این اجزا هم افزایی داشته و هر قدر روابط آنها و نقش هایشان به خوبی و در راستای هدف واحد اجرا شود، قدرت نرم بیشتری را تولید می کنند. ۲- قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت هاست، بر نوعی از ذهنیت استوار است. در واقع اطاعت از دارندگان قدرت نرم بر اساس باورها و اعتقادات و به میزان اعتبار و شهرت انجام می شود (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۲). ۳- قدرت نرم از جنس اقتناع است؛ هر چند وجه مشترک قدرت نرم و سخت متقاعد کردن رقیب است، منتهی به شیوه ای متفاوت. قدرت نرم بر توانایی ارائه دستور کار از رهگذر هنجارها و نهادهایی که ارجحیت های دیگران را شکل می دهند، استوار می باشد. ۴- قدرت نرم امری غیر محسوس است. این ویژگی به لحاظ ماهیت قدرت نرم بر مجموعه مهارت ها و التزامات است که تولید توانمندی برای یک بازیگر می کند. ۵- قدرت نرم فراگیر و قابلیت توسعه و هم افزایی دارد. قدرت نرم ظرفیت وسیع برای بسط و رقابت دارد. ۶- قدرت نرم ماهیت پویا و تحول پذیری دارد. چنانچه نای نوشت: منابع قدرت نرم با شکل دادن محیط برای سیاست ها غالباً به نحو غیر مستقیم عمل کرده و برخی مواقع سال ها طول می کشد تا نتایج مطلوب را به بار آورد (نای ۱۳۸۳).

در دیدگاهی دیگر قدرت نرم چند ویژگی مهم دیگر دارد و تحت شرایط و در بستر خاصی اعمال می گردد. اول، قدرت نرم دارای بعد ساختاری و غیر مستقیم است. دوم، دارای تأثیرات پراکنده و ایجاد نفوذ عام و فراگیر است تا اینکه رفتارها کنش های مشخص و معینی و مشهودی را به بار آورد. سوم، قابل ذخیره سازی و سرمایه گذاری برای آینده است. چهارم، معمولاً نتایج و آثار آن در بلندمدت نمودار می گردد. پنجم، تاثیرگذاری قدرت نرم به میزان زیادی بستگی به قابلیت و تمایل بازیگرانی دارد که تحت تاثیر آن قرار می گیرد. ششم، موفقیت قدرت نرم در

عصر ارتباطات و انقلاب اطلاعات بستگی شدیدی به میزان و چگونگی استفاده از اطلاعات، ارتباطات و دانش دارد. هفتم، قدرت نرم غالباً جهت شکل دهی به محیط کنش و رفتار جهت تأمین اهداف و منافع محیطی به کار می رود. هشتم، با توجه به کثرت و فراوانی اطلاعات پردازش، ویرایش و گزینش آن از طریق دروازه بانی اطلاعاتی نقش تعیین کننده ای در به کارگیری و موفقیت قدرت نرم دارد. نهم، میزان فراگیری ارزشی و هنجاری و سهمیم و شریک بودن دیگران در ارزش ها و هنجارها، اشتیاق آنان به همکاری و همدستی را افزایش می دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۹۱)

در قسمت ویژگی های قدرت نرم خلاصتا باید بگوییم که قدرت نرم همانند قدرت سخت و سایر گونه های قدرت دارای یک سلسله ویژگی هایی است که آن را با سایر اشکال قدرت متمایز می سازد. برخی از این ویژگی ها خلاصتا عبارتند از؛

- ۱- قدرت نرم به مثابه پدیده ای سنتی؛
- ۲- قدرت نرم به مثابه پدیده ای بهنگام و دارای قابلیت روزآمدشدگی؛
- ۳- قدرت نرم به مثابه امری ذهنی و غیر محسوس؛
- ۴- قدرت نرم به مثابه انتقال دهنده ی ضمانت های رفتاری به درون مخاطب؛
- ۵- قدرت نرم به مثابه پدیده ای وابسته؛
- ۶- قدرت نرم به مثابه پدیده ای قابل تغییر و پویا؛
- ۷- قدرت نرم به مثابه تسلطی نامحسوس بر مخاطب؛
- ۸- قدرت نرم به مثابه پدیده ای گسترده و فراگیر.

منابع قدرت نرم

قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین کننده ماهیت آن قدرت می باشند. به نظر نای، قدرت نرم در یک کشور میتواند از سه منبع اصلی فرهنگ، ارزش ها و سیاست های داخلی و خارجی پدید آید (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۸). ما در این متن بر منابع فرهنگی تاکید داریم. بررسی ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد و این امر تأثیر فرهنگ بر شاکله ی رفتاری بشر، دو چندان می شود چرا که همه انسان ها زندگی

را بر پایه مبانی فکری و ارزشی گزینش می کنند و برای بقاء و دوام آن تلاش نموده و به راحتی تغییرات را نمی پذیرند از این رو، فرهنگ معانی مختلفی دارد ولی امروز، بیشتر به صورت نرم افزاری تعریف میشود تا سخت افزاری؛ قدرت نرم رفتار همراه با جذابیت قابل رویت، اما غیر محسوس است. در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش ها و همه خواست ها سود میجوید. از این چشم انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت ها و توانایی ها گفته می شود که با به کارگیری ابزار هایی چون فرهنگ به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می گذارد. بنابراین قدرت نرم با منابع نامحسوس مثل فرهنگ ارتباط دارد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۷). از نظر برخی از نویسندگان، برخی از فرهنگ ها بیش از فرهنگ های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می شوند. آنان برخی از آن ویژگی ها را چنین بر شمرده اند:

انعطاف پذیری: هر چقدر یک فرهنگ از توانایی و قابلیت بیشتری برای جذب عناصر سایر فرهنگ ها، بدون ایجاد دگرگونی عمیق در خود، برخوردار باشد، آن فرهنگ انعطاف پذیر است. **پویایی:** فرهنگی که در طول زمان و بر اساس نیازهای افراد جامعه خویش، به رشد و تعالی و تکامل خویش ادامه دهد، از پویایی بیشتر برخوردار است.

برخورداری از ارزش های پایدار: هر چقدر فرهنگ یک جامعه بر ارزش هایی نظیر عقلانیت، معنویت گرایی، زیبا دوستی و دانش محوری تأکید بیشتری داشته باشد، از توان و قدرت فزون تری برخوردار است.

اخلاق محوری: فرهنگ هایی که بر ارزش های اخلاقی و احساس مسئولیت اجتماعی تأکید بیشتری ورزند از مقبولیت جهانی بیشتری برخوردارند و در نتیجه قدرت نفوذ آن ها بیشتر است.

قدرت اشاعه: هر چقدر یک فرهنگ از قدرت اشاعه فزون تری برخوردار باشد، قدرتمندتر تلقی می شود. منظور از اشاعه فرهنگ آن است که متولیان و حامیان یک فرهنگ به صورت تعمودی و برنامه ریزی شده یا غیر تعمودی، عناصر فرهنگی خود را در میان حاملان و حامیان فرهنگ های دیگر نشر دهند. اشاعه فرهنگی زمانی اثر گذار است که عمل، رفتار و عادات مردم کشور آماج را تحت تأثیر قرار دهد.

تولیدات فرهنگی: در دنیای امروزه زمانی از فرهنگ قدرتمند یاد می شود که متولیان آن

بتوانند در دنیای پر رقابت کنونی فرآورده های فرهنگی و هنری بیشتری عرضه کنند. به همین سبب است که جوزف نای، زمانی که از قدرت نرم فرهنگی کشور های غربی و ژاپن یاد می کند، بی درنگ به فرآورده هایی نظیر تولید فیلم های سینمایی، تهیه برنامه های رادیو و تلویزیونی، شمارگان کتاب ها، تعداد عناوین کتاب های منتشره، تعداد سالن های سینما، تیراژ روزنامه ها و مجلات اشاره می کند (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق

کشور عراق با نام رسمی (جمهوری عراق) در منطقه ی خاور میانه و جنوب غرب آسیا واقع شده است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با جمهوری اسلامی ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. بزرگترین شهر و پایتخت این کشور بغداد می باشد. وسعت کشور عراق حدود ۴۳۸ هزار کیلومتر مربع است که از این حیث رتبه ی ۵۸ را در جهان به خود اختصاص داده است. جمعیت این کشور حدود ۴۰ میلیون نفر است که از این حیث رتبه ی ۳۶ را در دنیا به خود اختصاص داده است. این کشور به لحاظ موقعیت راهبردی وضعیت خوبی دارد و از جنوب به خلیج فارس راه دارد که در واقع شریان حیاتی این کشور است. خطوط ساحلی این کشور در خلیج فارس ۵۸ کیلومتر می باشد. مرز مشترک عراق با جمهوری اسلامی ایران طولانی ترین مرز مشترک با همسایگان برای هر دو کشور بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. یک سوم از مجموع استان های عراق (شش استان از مجموع ۱۸ استان) در شرق این کشور با ۵ استان از جمهوری اسلامی ایران دارای مرز مشترک هستند. در مجموع ۱۱ استان دو کشور ایران و عراق دارای نقاط مرزی هستند (محمدی، ۱۳۹۶: ۲۱). ایران همسایه بزرگ عراق است و پیوندهای سیاسی و مذهبی ایران با شیعیان عراقی غیر قابل اغماض است. پیوندهای مذکور، عامل مهمی در تعمیق روابط سیاسی ایران و عراق دارد. معمولاً روابط هر کشور با همسایگانش در قالب یکی از اشکال ارتباطی، همزیستی مسالمت آمیز، هم پیمانی و رقابت و منازعه قابل بررسی است. به طور خلاصه، در مورد روابط کشور ایران و عراق می توان دوره هایی را به صورت زیر برشمرد:

الف- دوره همزیستی و هم پیمانی نسبی (۱۹۲۰-۱۹۵۸م)

از زمان قیمومیت انگلیس بر عراق (۱۹۲۰م) و سپس استقلال آن کشور در سال ۱۹۳۲ (م) و تا پایان عمر حکومت پادشاهی در سال ۱۹۵۸ (م)، به دلیل نفوذ انگلستان در منطقه، روابط دو کشور چه در قالب پیمان (سعدآباد) و چه پیمان (بغداد) یا حتی خارج از آن، بیش تر دوستانه بوده است. هر چند که در این دوره هم، گاهی اختلافات مرزی، رخ می داد. اما معمولاً بدون درگیری مهمی حل می شد.

ب- دوره رقابت و جنگ (۱۹۸۸-۲۰۰۳م)

پس از کودتای ژوئیه سال (۱۹۵۸م) در عراق، روابط دو کشور وارد دوره ای از رقابت های جدی شد که ابتدا (۱۹۶۸-۱۹۵۸م) این رقابت محدودتر و سپس با آغاز حکومت بعث (۱۹۸۸-۱۹۶۸م) وارد دوره تنش، منازعه و جنگ گردید و از سال (۱۹۸۸م) به بعد «نه جنگ و نه صلح» حاکم شده است (بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

ج- ایران و عراق جدید؛ دوره همزیستی مسالمت آمیز و تعامل سازنده

در وضعیت جدید کشور عراق، فروپاشی رژیم بعث و وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع، گرایش ها از تخاصم و تضاد به رقابت و همکاری میل کرده است. با توجه به قدرت گرفتن شیعیان در عراق و روابط مثبت رهبران کُرد و شیعه از بهار ۱۳۸۲، که نقش مؤثری در دولت نوین عراق دارند مناسبات دو جانبه ایران با عراق، روندی مسالمت جویانه را طی نموده است. عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی هایی در ژئوپلتیک منطقه و رویکردهای بازیگران خاورمیانه ای شده است. فروپاشی رژیم بعث که به برتری قدرت شیعیان و کُردها در ساختار سیاسی نوین عراق منجر شد، به افزایش قدرت و نفوذ منطقه ای ایران و دگرگونی در معادلات قدرت خاورمیانه منتهی شد. این امر که حاصل افزایش نفوذ ایران در داخل عراق نیز می باشد، از مؤلفه های متعددی ناشی می شود. پیوندهای دیرینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین مردم ایران و عراق و حضور معارضین عراقی شیعه و کُرد در دوران زمامداری صدام حسین در ایران، و در نتیجه ارتباط برادرانه و نزدیک بین نخبگان مذهبی

و سیاسی ایران و رهبران مذهبی و سیاسی شیعی و کُرد در عراق، که بخش عمده ای از آن ها در ساختار دموکراتیک جدید به قدرت رسیده اند، از عوامل اصلی این نفوذ طبیعی محسوب می شود (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۸). حذف رژیم بعث در عراق که همواره به عنوان عامل تنش و ناامنی منطقه ای عمل می کرد و قدرت یابی مبارزان و گروه های مردمی شیعی در عراق که طی ۲۷ سال گذشته از حمایت های جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده اند، طبعاً از سوی ایران تحولی بسیار مثبت تلقی می شود. ایران دارای منافع ملموس و جاری در عراق جدید است و تنها در شرایط وجود یک کشور با ثبات است که زمینه های بالقوه فرصت سازی در حوزه سیاست خارجی ایران فراهم می شود. نگاه ایران به عراق جدید پیش از آنکه زمینه های بروز چالش برای منافع ملی ایران باشد، زمینه های فراهم آوردن فرصت ها است (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۷۷). در ابتدا آمریکا تصور نمی کرد که نفوذ ایران در عراق به حدی باشد که بتواند سیاست های این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. اما هم زمان با شکل گیری نهادهای اجتماعی و سیاسی که از گروه های قومی و فرقه ای تبعید شده زمان صدام حسین تشکیل شده بودند، نقش و نفوذ ایران برای مقام های آمریکایی نمایان شد. بر این اساس و با وجودی که آمریکا تلاش کرد نقش ایران را در عراق بی اهمیت جلوه دهد، عملاً با تضعیف قدرت خود در این کشور، شاهد قدرتمندتر شدن نفوذ ایران در نهادهای سیاسی و اجتماعی این کشور بوده است. مسئله ای که در داخل آمریکا به شدت مورد انتقاد مخالفان دولت قرار گرفت این بود که آمریکا با صرف هزینه های عظیم مالی و انسانی خود موجبات موفقیت و پیروزی ایران را در عراق فراهم ساخت (احدی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). به گونه ای که هم دشمن دیرینه این کشور یعنی صدام حسین و حزب بعث سرنگون شد و هم نیروهای مورد حمایت ایران قدرت سیاسی عراق را بدست گرفتند.

منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید

به اعتقاد نای قدرت نرم در هر کشور از سه منبع نشات می گیرد: فرهنگ (بخش هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج مطابق انتظار آنها باشد) و سیاست های خارجی آن زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی می شود (Nye, 2004: 11). فرهنگ به معنی خاص کلمه، یکی از اصلی ترین عوامل تعیین کننده در توانایی و ایجاد قدرت نرم در یک کشور می باشد. جوزف نای به موضوع اثربخشی فرهنگ اشاره می کند. از دیدگاه وی

تأثیرگذاری فرهنگ به مثابه منبع قدرت نرم به بستر و زمینه ای که این قدرت در آن اعمال می شود بستگی دارد (Nye, 2004:16).

قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح داخلی دارای اهمیت قابل توجهی بود بلکه در سطح منطقه ای و بین المللی، حائز اهمیت و قابلیت بازشناسی می باشد. و این روند همچنان ادامه دارد و پس از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف بین المللی، افزایش یافته و روند رو به رشدی را طی می کند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب احیای افکار و اندیشه های اسلامی در سراسر جهان و افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل گیری خود، رویکرد قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را همواره مد نظر داشته و در روابط خود با سایر ملت ها، به این بُعد مهم از قدرت توجه ویژه ای داشته است. از ویژگی های مهم انقلاب اسلامی ایران این است که به دین کارکرد ایدئولوژیک داد از این رو بررسی ابعاد منطقه ای و جهانی قدرت نرم جمهوری اسلامی علی الخصوص در جهان اسلام ضروری بنظر می رسد. از طرفی منطقه ی خاورمیانه، خلیج فارس و آسیا، با توجه به اهمیت فوق العاده ی خود و توجه سایر قدرت ها به آن، از جایگاه ویژه ای در منظر نرم افزارانه ی ایران برخوردار بوده است (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۲).

در این میان بررسی روابط با عراق بعنوان یکی از کشورهایی که نزدیک به ایران می باشد از اهمیت مضاعفی برخوردار می باشد. عراق در بین کشورهای خاورمیانه به لحاظ موقعیت استراتژیک، اکثریت شیعیان در آن کشور و به دلیل روابط تاریخی و فرهنگی دیرینه جایگاه مهمی در سیاست خارجی ایران دارد. از طرفی در محیط امنیتی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، کشور عراق به عنوان عضوی از دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، بر محیط امنیتی و سیاسی کشورمان تأثیر گذار بوده و خواهد بود (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱). از آنجایی که عراق به عنوان کشوری استراتژیک، توجه بسیاری از بازیگران منطقه ای و بین المللی را به خود جلب کرده است و بازیگران مختلف سعی دارند با نفوذ و تأثیرگذاری بر این کشور، سیاست های مطلوب خود را در منطقه حساس خاورمیانه دنبال کنند. ایران با داشتن اشتراکات مذهبی، فرهنگی و پیوندهای سیاسی با این کشور، از قدرت نرم قابل توجهی در این کشور برخوردار است که این موضوع، ایران را در راستای پیگیری اهداف سیاست خارجی در آن کشور و همچنین در منطقه، توانمند ساخته است. همراه ساختن کشور عراق

با سیاست های منطقه ای و بین المللی ایران، نیازمند افزایش قدرت نرم ایران در این کشور و پذیرش سیاست ها و مواضع ایران در میان افکار عمومی و همچنین سیاستگذاران عراقی است (بهرام شاهی، ۱۳۹۷: ۱). این مهم از طریق شناسایی دقیق منابع قدرت نرم ایران در کشور عراق قابل دست یابی است. زیرا با شناخت مؤلفه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی تأثیر گذار بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق، می توان برای افزایش نفوذ و قدرت ایران در این کشور استراتژیک برنامه ریزی نمود و با اتخاذ راهبردها و سیاست گذاری های مطلوب ناشی از شناخت صحیح مؤلفه های قدرت نرم در عراق جدید، ظرفیت و پتانسیل های جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد.

در این بخش تأثیر قدرت نرم ایران در عراق جدید را بر اساس قدرت نرم فرهنگی بررسی می نماییم. در زمینه تأثیر مؤلفه فرهنگی قدرت نرم ایران می توان گفت؛ روابط دو کشور دارای قدمت دیرینه ای است و مشترکات مذهبی- فرهنگی سنتی موجود بین دو کشور موجب گردیده تا تعاملات فرهنگی بین آنها از وضعیت رو به رشدی برخوردار باشد. ایران به دلیل مجاورت مذهب، روابط فرهنگی و اشتراکات قومی، پیوندی ناگسستنی با عراق دارد. بر همین اساس است که در سطح تحلیل منطقه ای و گستره قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور، کشور ما از توانایی ها و ظرفیت های بالا و به مراتب بهتری نسبت به رقبای خود بهره مند است. وجود امتیازاتی چون هم آیینی و هم کیشی؛ قرابت جغرافیایی؛ اشتراکات فرهنگی- تاریخی؛ اشتراکات زبانی و قومی با برخی از اقوام، حضور ایرانیان مقیم که ایران را به عراق و غیره پیوند داده است، بسترهای مناسبی را جهت آمال و تأثیر گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور فراهم نموده است. بر همین اساس، تأکید بر مشترکات می تواند در توسعه همگرایی بیشتر فرهنگی میان ایران و عراق تأثیر به سزایی داشته باشد. همگرایی فرهنگی با این کشور می تواند موازنه های مثبتی را به سود ایران در مجامع بین المللی رقم زند و این کشور را بیش از پیش در مدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. از این رو، همگرایی فرهنگی و تأکید بر مطالعات متقابل بین فرهنگی و تمدنی ایران با عراق به عنوان پیش شرط لازم برای همگرایی فرهنگی، برآورنده منافع سیاسی ایران در قبال اتخاذ رویکردی فرهنگی است. بنابراین، باید به گونه ای ظریف و هوشمندانه اقدام به تقویت قدرت ایران از طریق اقدامات نرم افزاری در عراق نمود. در فرصت به وجود آمده که تهدید صدام و حزب بعث از میان رفته، دو کشور باید با حلّ

و فصل اختلافات گذشته، پایه های نوینی برای همکاری های نزدیک ایجاد کنند. با آگاهی از این واقعیت ها، ایران در سال های گذشته تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه تأثیر گذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از عراق جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست سعی دارد با کم رنگ کردن واقعیت های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور عراق و ایران را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند؛ تمدنی که از عصر باستان و تمدن های بین النهرین آغاز میشود (مظفری، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

در واقع، ایران از این طریق درصدد برآمده تا از مؤلفه های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق به طور اخص و معادلات منطقه به طور اعم استفاده کند و در این راستا تلاش کرد مردم این کشور به حقوق ضایع شده خود دست یابند. بخش مهمی از منابع قدرت نرم نظام های سیاسی مربوط به فرهنگ است و کشورهایی که دارای پتانسیل های فرهنگی غنی و صیغه تاریخی گسترده در امور فرهنگی هستند ظرفیت های بالقوه مناسبی برای اعمال قدرت نرم فرهنگی دارند. در عین حال، اعمال قدرت میان دو کشوری که دارای فرهنگ های نزدیک به هم هستند، در بسترهای نرم افزاری صورت می گیرد. اعمال قدرت میان دو کشور عراق و ایران نیز تحت شعاع این موضوع قرار دارد. به عبارتی دیگر، مهم ترین و بیشترین منابع قدرت نرم ایران در کشور عراق، تشابهات فرهنگی و تاریخی بین دو کشور می باشد. در این بخش به صورت خاص به بررسی (منابع فرهنگی ایران در عراق) خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه والای مرجعیت در دو کشور

ماهیت مرجعیت به دلیل تمرکز بر روی عقاید مذهبی، آن هم مذهبی که دقیقاً خارج از چهارچوب نژادی و قومی قرار دارد، آن را تبدیل به یک امر فراملی کرده است. این یک اصل اساسی در مرجعیت مذهبی است و اختصاص به تشیع ندارد. شاهد این امر وضعیت گذشته و حال مرجعیت شیعه است که گاه یک ایرانی - مانند مرحوم خویی - و گاه یک عرب - مانند مرحوم حکیم - توانسته در میان عرب و عجم نفوذ چشمگیر داشته باشند (جعفریان، ۱۳۹۶: ۵۱). در طول تاریخ زمانی مرجعیت یا زعامت واحد شیعه برای شیعیان دو کشور ایران و عراق وجود داشت. برای نمونه می توان به فتوای تاریخی آیت الله سید محمد حسن شیرازی

مرجع تقلید وقت و رهبر جنبش تنباکو اشاره کرد (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). نقش رهبری و مرجعیت در طول حیات سیاسی عراق چه در زمان حضور انگلستان بعد از فروپاشی دولت عثمانی و چه در زمان اشغال این کشور و چه در زمان حاضر در سال ۲۰۲۰، همواره با اهمیت و تعیین کننده بوده است. علمای مذهبی در اوایل سده بیستم که عراق، تحت اشغال نیروهای انگلیسی در آمده بود در یک جنبشی سیاسی - ملی درگیر شد که هدف آن نجات اسلام و مسلمانان از مسیرهای انحرافی استعمارگران بود. در این میان، نجف اشرف، محل مشورت و رایزنی زعمای اندیشمند مذهبی بوده است. امروزه نیز نقش رهبری و مرجعیت در تحولات عراق، بسیار با اهمیت می باشد. امروز نیز به رغم ایرانی بودن آیت الله سیستانی، وی نه تنها در بین مردم عراق و ایران (عرب، عجم)، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی، مقلدان زیادی دارد و ایشان در مسائل سیاسی حاکم بر جهان اسلام، بدون مقید بودن بر مکان یا زمان و ملیت خاص، بیانیه هایی در حمایت از مسلمانان صادر می کند. و این ها حاکی از فراملی، فرازمانی و فرامکانی بودن مرجعیت در این عصر می باشد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

برخی از شخصیت های برجسته عراق به شرح زیر هستند:

- آیت الله شیخ بشیر نجفی؛

- آیت الله محمد سعید حکیم؛

- آیت الله سید کاظم حائری؛

- سید مقتدی صدر؛

- آیت الله سیستانی

در یک نگاه، مراجع فوق دارای دیدگاه های نزدیک به آراء جمهوری اسلامی هستند و در این زمینه می توانند در تصمیمات سیاسی و روابط دیپلماتیک تأثیر بگذارند و از آنجایی که آن ها معتقد به تقریب شیعه هستند می توانند بر روابط هر چه بیشتر با جامعه و حکومت شیعی ایران تأکید نمایند و سیاسیون را به سمت روابط دوستانه با ایران سوق دهند و از آنجایی که خیلی از آن ها با علمای ایران از دوره امام خمینی (ره) آشنا بوده اند و این آشنایی به روابطی فزاینده در حال حاضر تبدیل شده است، می تواند مراجع کشور عراق را به یکی از حامیان ایران در این کشور و حتی سطح منطقه تبدیل کند که با فتواها و بیانات خویش از تصمیمات و رویکردهای سیاسی ایران به عنوان یک حکومت شیعی دفاع نمایند.

۲. ریشه های ایرانی کشور عراق

آثار تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی در همه جای کشور عراق دیده می شود. علی رغم کوشش های بسیاری که حکومت های عثمانی و در پی آن حکومت های استعمارگر اروپایی در برانداختن آثار ایرانی در عراق بکار برده اند، و حتی تلاش هایی که آمریکا بعد از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ انجام داده هنوز جلوه و جلال این آثار در همه جای خاک عراق، در هر گوشه دیده می شود. در زمینه پیوستگی ایران و عراق چه چیزی از این بالاتر که واژه (عراق) که هم اکنون نام این کشور است، یک واژه فارسی است. عراق عربی شده واژه (اراک) است. نام پایتخت عراق امروزی، بغداد ریشه ای کاملاً ایرانی دارد که حکایت از شکوه و عظمت ایرانیان در منطقه بین النهرین دارد. بغداد به معنای (خداداد) می باشد. این واژه پیش از اینکه بر این شهر گذارده شود در اوستا به گونه ای صفت آورده شده بود (پارساپور، ۱۳۹۰: ۵). وجود پیوند و ریشه های تاریخی میان دو کشور ایران و عراق، علی رغم این که بر سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور تأثیر شایان توجهی دارد، بر میزان قدرت نرم ایران در عراق تأثیر مثبتی دارد. زیرا ریشه های تاریخی مشترک و وجود آثار تمدنی، فرهنگی - اجتماعی ایران در عراق، مردم این کشور و مسئولین آن ها را به مردم نزدیک می کند و شرط اساسی قدرت نرم، مدیریت افکار عمومی مردم آن نظام سیاسی است و داشتن پیشینه مشترک تاریخی و مشترکات فرهنگی، زمینه های تأثیر پذیری مردم و مسئولین عراق را نسبت به خواسته های ایران افزایش می دهد با این حال، پیوندهای تاریخی و ریشه های تاریخی ایران در کشور عراق، اعمال قدرت نرم راحتی در سال ۲۰۲۰ تسهیل و کارآمدتر می سازد.

۳- گسترش زبان و ادبیات فارسی

زبان عنصر مهمی در ارتباط و تعاملات کشورها می باشد. ایران با کشورهای اطراف خود شامل افغانستان و تاجیکستان دارای زبان مشترک می باشد. در حقیقت زبان وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد و در عین حال در روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت های مختلف، ایفاگر نقش اساسی است. بدون زبان مشترک، تداوم فرهنگی امکان پذیر نیست و فرهنگ به نسل های بعدی منتقل نمی شود. به همین دلیل، زبان از یک سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر، سازنده آن است. واژگان هر زبان ذخایر، گنجینه ها و سرمایه های

فرهنگی هر اجتماعی را نمایش می دهند. هر انسانی در هر اجتماع فرهنگی با زبان ویژه ی خود می اندیشد و از همین روی، این ظرف زبانی حدود ظرفیت فکری او را تا اندازه ی زیادی تعیین می کند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰).

هر چند زبان فارسی یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است و به طور رسمی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان عمومیت دارد، در کشورهای نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان سخن می گویند و نفوذ آن در زبان های دیگر مانند: ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و... انکارناپذیر است. در مجموع و تقریباً حدود ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی تکلم می کنند. و در ساختار زبانی بیش از ۲۰۰ میلیون تُرک، ترکمن، ازبک و اردو زبان، سهمی اساسی دارند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). به همین جهت زبان و ادبیات فارسی را هم باید، منبعی برای قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد و در راستای گسترش و تعمیق آن در سطح منطقه ای و برخی مناطق جهان تلاش گسترده ای صورت داد به گونه ای در عراق امروزی بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ ایران از این موضوع نهایت اثرگذاری را در قالب قدرت نرم در عراق داشته است.

۴. آیین ها و رسومات

آداب و رسومات و سنن تاریخی مشترک ایران و کشورهای منطقه منبایی برای قدرت نرم ایران به شمار می رود. تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره ها، آیین های کهن، زبان و فرهنگ، به ویژه در مناطقی که در حوزه ی تمدنی ایران قرار دارند، می تواند موجب همبستگی بیشتر میان مردمان این مناطق شود. از جمله مهم ترین آیین های ایرانی که برای برنامه ریزی در جهت تقویت وجهه ایرانی و قدرت نرم ایران در جهان مناسب است (نوروز) است. نوروز مهم ترین جشن ملی ایرانیان و برخی کشورهایی است که ریشه مشترک فرهنگی با ایران دارند. اولین و مهم ترین دستاورد در این زمینه، ثبت نوروز به عنوان میراث جهانی در یونسکو بود (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). فراگیری مراسم و مناسبت های ایرانی مانند (نوروز) نشان از نفوذ فوق العاده فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر دارد. مراسم نوروز و حواشی آن فرصتی است که ایران و فرهنگ ایرانی به مردم جهان معرفی می شود. جمعیت بالای ایرانیان داخل و خارج از

ایران و همچنین فارسی زبانان دیگر، بیش از هر چیز در معرفی این پدیده فرهنگی متعالی دخیل هستند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۶).

۵. فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز اقوام ایران به عنوان الگویی برای جامعه چند پاره عراق: برای تمام ملت های جهان، هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی، هم عامل همبستگی و شکل گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرف آن در نظام بین الملل است. در واقع، قوام و دوام زندگی توأم با عزت و آزادی یک ملت، به هویت ملی آن در معنای عام و گسترده بستگی دارد. هویت ملی مسئله ای انفرادی، شخصیتی و روانی نیست، بلکه پدیده ای جمعی است که به بنیادهای فرهنگی، تاریخی و اعتقادی یک ملت مربوط می شود. تاریخ هر کشور نقشی حساس در هویت ملی هر ملت داشته و عملاً ریشه های هویت یک ملت در تاریخ آن است و هویت ملی مانند ساقه ای است که همه اجزای فرهنگی یک ملت بر اساس آن وحدت می یابند. بر این اساس تاریخ ایران زمین به ویژه در دوران شکوفایی اسلامی پشتوانه اساسی ملت ایران بوده و سرگذشت مشترکی را برای همه ایرانیان ایجاد می کند که به نوبه خود موجب نوعی قدرت نرم افزاری است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۲). کشور عراق با برخورداری از تاریخی کهن از تمدن های سومری، آکدی و آشوری در عصر باستان گرفته تا دوران خلافت عباسی، عثمانی و حاکمیت حزب بعث عراق تا برقراری دموکراسی شکننده کنونی، محل زیست اقوام و مذاهب گوناگون بوده است؛ امری که ویژگی خاصی به جامعه عراق بخشیده است و مشابه آن را در جهان عرب تنها می توان در جامعه ای مانند لبنان پیدا کرد. جامعه کنونی عراق با بیش از ۴۰ میلیون نفر جمعیت برخوردار از یک ترکیب ناهمگون قومی و مذهبی است (غفاری هاشجین و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۸). از لحاظ مذهبی بیش از ۹۳ درصد مردم عراق مسلمان هستند. از این تعداد ۶۰ تا ۶۵ درصد شیعه و ۳۰ تا ۳۵ درصد سنی می باشند. همچنین اقلیت های مسیحی، یهودی، آشوری، یزیدی و صابئی ۵ درصد جمعیت عراق را شامل می شوند. به لحاظ قومی نیز ترکیبی از اعراب، اکراد، ترکمن و... جامعه عراق را تشکیل می دهند. در کنار این تنوع، در هم تنیدگی ها و پیوندهای متداخل قومی - مذهبی به پیچیدگی اوضاع و تشدید شکاف ها کمک کرده است. وجود گُردهای سنی

در شمال و شمال شرق، عرب های سنی در مرکز و غرب، عرب های شیعه در جنوب و ترکمن های سنی در شمال و شمال شرق، در هم آمیختگی مرزهای قومی - فرقه ای در عراق را آشکار می سازد. از طرفی مردم ایران از هر قوم و اقلیتی، در سه مورد وحدت اساسی دارند که عبارتند از: عشق به میهن، اسلام و نظام ملی. همین سه مورد عامل وحدت میان این مردم است که باعث می شود در موقعیت های حساس مردم ایران از هر قوم و نژادی که باشند حول این سه محور گرد آیند. مردم ایران خود را یک ایرانی و یک مسلمان می دانند و دولت ایران نیز، حافظ منافع تمامی قومیت ها است. همین امر عامل قدرت نرم ایران در سطح ملی است و در عین حال می تواند از پتانسیل مناسبی برای افزایش قدرت نرم ایران باشد. از آنجایی که کشور عراق در همسایگی ایران قرار دارد جمهوری اسلامی می تواند با صدور الگوی یکپارچگی ملت ایران (در امور اساسی و ملی) به کشور عراق، به این کشور در راستای دست یابی به ثبات و امنیت داخلی کمک شایانی نماید و از این طریق حسن نیت خود را به مردم این کشور نشان دهد و همین امر وابستگی ملت و مسئولین عراق را به همراه خواهد داشت. به گونه ای ایران با عملکرد خویش می تواند امتیازات زیادی را از این کشور در عرصه سیاسی بگیرد و به طور بالفعل، این کشور را در عرصه بین الملل حامی خویش قرار دهد و کشور عراق در مناسبات بین المللی از ایران حمایت نماید.

۶. پیشرفت دانش در ایران

بعد از انقلاب اسلامی تا به اکنون پیشرفت دانش در ایران روند چشمگیری را دارا بوده است. میزان پیشرفت علمی و دستیابی به روش های نوین تولید ثروت، برتری ملت ها در دنیای امروز است. پیشرفت علمی زمینه ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. امروزه دیگر نیازی به ذخایر زیرزمینی نیست و قدرت ملل وابسته به دانش و دانش پژوهی است و کشورهایی که از تربیت نیروی انسانی غافل می مانند، فقط فروشنده مواد اولیه به کشورهای پیشرفته دنیا خواهند بود و همچنان وارد کننده فرآورده های مواد اولیه خود باقی خواهند ماند (بیکسی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). از نظر شاخص های علمی و فنی ایران جزء برترین کشورهای منطقه است و تا به حال توانسته به رغم محدودیت های بین المللی رشد قابل توجهی در دستیابی به یافته های علمی نوین در حوزه های مختلف از جمله پزشکی، تکنولوژی هسته ای،

پتروشیمی، و صنایع نظامی داشته باشد. یکی از چشم گیرترین حوزه هایی که ایران بر سرمایه گذاری روی آن تأکید داشته عبارت است از تکنولوژی هسته ای. دستاوردهای هسته ای ایران در حالی حصول می شود که تاکنون مجازات ها و محدودیت های بین المللی مختلفی در برابر فعالیت های هسته ای ایران وجود داشته است (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۳).

توسعه آموزش عالی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی سبب شده است، ایران به عنوان یکی از دانشجویی ترین کشورهای دنیا قلمداد شود. برتری علمی در رشته های نوین پزشکی، تجربی، فنی و هسته ای سبب گردیده است که کشورهای منطقه نسبت به تحصیل و کسب این علوم سعی و تلاش انجام دهند تا بتوانند از پیشرفت های علمی و اقتدار سیاسی و اقتصادی ناشی از آن بهره گیرند. کشور عراق هم در این راستا سعی نموده است تا به شیوه های گوناگون از موقعیت علمی ایران استفاده نماید. تبادل دانشجو میان دو کشور، اعزام دانشجویان عراقی به ایران، همکاری های علمی با پژوهشکده ها و دانشگاه های ایرانی و غیره نمونه ای از فعالیت مسئولین عراقی برای کسب علم از ایران می باشد. قاعدتاً چنین نیازی از سوی کشورهای منطقه و علی الخصوص عراق می تواند بر قدرت نرم ایران بیفزاید. در عین حال، پژوهشگران و دانشمندان ایرانی برای انجام پروژه های علمی، تحقیقات، فرصت های مطالعاتی و حتی تدریس می توانند به کشور عراق اعزام شوند و همین امر می تواند میزان نفوذ ایران را در عراق افزایش دهد و در نقطه مقابل، ایران می تواند پذیرای دانشجویان عراقی باشد و به آن ها آموزش دهد و همین امر در آینده مفید خواهد بود زیرا احتمال این وجود دارد که برخی از این افراد آموزش دیده در ایران به پست های سیاسی و رفیعی در عراق دست یابند و به علت آموزش هایی که در ایران دیده اند، سیاست هایی همسوء با ایران را اتخاذ نمایند.

۷. حضور درصد قابل توجهی از شیعیان در ایران و عراق

با ظهور ادیان، به ویژه اسلام و گسترش سریع آن ها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته تر گردید. اسلام نه براساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانیان و تلفیق عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی با آن، فرهنگ و هویت تازه ای به نام فرهنگ ایرانی - اسلامی خلق شد. این فرهنگ پویا و قوی پشوانه اتحاد داخلی و هویت بخشی به سرزمین ایران در برابر دیگر کشورها بوده است و این مؤلفه

را همچنین می توان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به خوبی مشاهده کرد. تأثیر و نفوذ ایران در این هنگام بر کشورهای مسلمان و مسلمانان جهان به حدی است که میتوان آن را از جمله شواهد مهم در اوج گیری نفوذ و تأثیر گذاری ایران بر افکار عمومی خارجی دانست که حتی در برخی از مردم و گروه های کشورهای منطقه، ایران را الگویی قابل قبول در پیشبرد اهداف اسلامی تلقی میکردند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

یکی از دلایلی که منجر به تأثیر گذاری بیشتر قدرت نرم ایران در عراق می شود، وجود اکثریت شیعه در دو کشور است. شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می رود. حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند که اکثر آن ها عرب اند ولی شمار اندکی کرد، ترکمن یا فارس های عرب شده را نیز در بر می گیرند (فولر و فرانکه، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

شیعیان در مناطق جنوبی عراق و عمدتاً در بصره، نجف و کربلا مستقر هستند و در بغداد هم حضور دارند. در آخرین سرشماری هایی که برای انتخابات پارلمانی در عراق برگزار می شود روشن شد که بخشی عظیم از جمعیت بغداد را شیعیان تشکیل می دهند. بنابراین شیعیان هم از نظر ژئوپلتیک و هم از نظر ثروت و حضور مکانی یعنی در جنوب و در دهانه خلیج فارس و در بغداد در مرکز عراق دارای موقعیت فوق العاده مهمی هستند. شکلی از به هم پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق با شیعیان منطقه موجود است. از یک طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان عمق ژئوپلتیک شیعیان عراق محسوب می شود، و از طرفی جلوه هایی از اتصال ژئوپلتیک آن ها را از جنوب خلیج فارس به شرق عربستان و لبنان و سوریه می توان تصور نمود؛ امری که

جایگاه استراتژیک شیعیان عراق را تقویت می کند؛ البته این امر شاید به جایگاه ژئواستراتژیک کشور عراق و موقعیت سیاسی و مذهبی این کشور در جهان تشیع (به دلیل بارگاه مقدس امامان شیعه در کربلا، نجف، کاظمین و سامرا) باز می گردد و همیشه توانسته مسائل مربوط به تشیع را تحت تأثیر قرار دهد. در مجموع می توان گفت جایگاه ژئوپلتیک شیعیان عراق، هم در حوزه ملی و هم در حوزه منطقه ای خاورمیانه دارای قابلیت های کارکردی، سیاسی و راهبردی است (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۹). به طور خلاصه، قوی ترین اهرم ایران برای نقش آفرینی و تأثیرگذاری در امور عراق، آئین تشیع است. تهران با آگاهی از این موضوع که نزدیک به ۶۰ درصد مردم عراق شیعه هستند، مایل به استفاده از این برگ برنده به واسطه روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق

است. سقوط صدام حسین این فرصت را برای ایران به وجود آورد که بی گمان در استفاده از این فرصت، جمهوری اسلامی هم در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نهایت کوشش خود را کرد.

۸. سازمان‌های فرهنگی فعال ایران در منطقه

فعالیت سازمان‌های فرهنگی فعال ایران در منطقه می‌تواند به افزایش قدرت نرم ایران در منطقه منجر شود. از طرفی ایران در حوزه فرهنگی فرصت‌های بی‌نظیری را در جهان اسلام دارا می‌باشد که بخش عمده‌ای از آن‌ها هنوز به صورت بالقوه است و می‌توان در آینده از آن‌ها بهره‌برداری کرد. با توجه به نگاه مثبت و امیدوارانه بسیاری از مسلمانان در کشورهای مختلف اسلامی به ایران و به خصوص شیعیان، ایران می‌تواند در امر فرهنگی سرمایه‌گذاری نماید. سرمایه‌گذاری در زمینه امور فرهنگی ممکن است دیربازده باشد اما با توجه به اهمیت آن اکنون در بیشتر کشورهای برنامه‌ها و اقدامات فراوانی در آن انجام می‌شود. در این قسمت برخی از سازمان‌های فعال در ایران در زمینه‌ی فرهنگی - مذهبی در عراق را نام خواهیم برد.

- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛

- مجمع جهانی تقریب مذاهب؛

- مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛

- مجمع جهانی شیعه‌شناسی؛

- مرکز بین‌المللی تبلیغ؛

- سازمان حج و زیارت.

سازمان‌های فرهنگی - مذهبی مترصد دست‌یابی به ایجاد زبان مشترک جهت گفت‌وگو و مفاهیم، انجام مبادلات فرهنگی، عرضه کامل فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، تلاش جهت تقویت مناسبات فرهنگی ایران با سایر کشورهای و سازمان‌های بین‌المللی، تلاش برای وحدت اسلامی و حرکت در راستای گفت‌وگوی ادیان هستند و همین امر صلح، دوستی و روح تعاون ایرانیان را به کشورهای منطقه و علی‌الخصوص عراق نشان می‌دهد و زمینه‌های معرفی کامل ایران را برای همگان مهیا می‌کند. از آنجایی که سازمان حج و زیارت، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز بین‌المللی تبلیغ، مرکز جهانی تقریب مذاهب، مرکز جهانی شیعه‌شناسی و سایر سازمان‌های فرهنگی - عقیدتی دارای فعالیت در کشورهای همسایه و علی

الخصوص عراق هستند و می توانند به نزدیک کردن ملت های مسلمان و به خصوص مردم عراق به ایران، جذب مسئولین به همکارهای دو یا چندجانبه فرهنگی، حمایت از ملت های مظلوم، ترویج فرهنگ اسلامی- ایرانی و غیره کمک نمایند که این عوامل قدرت نرم ایران را در عراق افزایش می دهد. در این میان، سازمان حج و زیارت و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کشور عراق دارای تأثیر بیشتری نسبت به سایر سازمان ها هستند و با بهره گیری از پتانسیل های موجود، توان قدرت نرم افزاری ایران را ارتقاء می دهند. البته دستاورد این سازمان های فرهنگی برای تولید قدرت نرم ایران، غیر مستقیم است. به عبارتی دیگر، فعالیت های فوق الذکر می تواند به بازسازی چهره مثبت از ایران بینجامد و چنین روندی می تواند خصائل و ویژگی های مثبتی را برای ایران در عراق ارمغان آورد که قدم نخست در تولید و افزایش قدرت نرم ایران است.

۹. وجود حوزه های علمیه در دو کشور و مبادلات فرهنگی بین آن ها

حوزه های علمیه نقش اساسی ر و مهمی را می توانند در گسترش قدرت نرم ایران ایفا نمایند. در بین حوزه های علمیه شیعه، حوزه نجف اشرف از جایگاه والا و اهمیت ویژه ای برخوردار است. فتوای مشهور آیت الله میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نقش مؤثر علمای نجف در انقلاب مشروطیت و رهبری قیام ۱۹۲۰ علیه بریتانیا توسط آیت الله محمد تقی شیرازی و اخیراً نیز نقش مهم علما در جنگ آمریکا علیه این کشور از جمله مهم ترین رویدادهایی است که حوزه نجف را در تاریخ معاصر به شهرت ویژه ای رسانده است (دادفر، ۱۳۸۹: ۹۷).

حوزه علمیه نجف یکی از مظاهر تمدن اسلامی به حساب می آید و نقش عظیمی در توسعه تمدن اسلامی داشته است. نجف، مرکز مراجع تقلید شیعیانی بود که در سرزمین های مختلف اسلامی به سر می بردند و از دیرباز از کشور های مختلف، برای تحصیل علوم اسلامی به آن جا سفر می کردند. شمار طلاب علوم دینی در این شهر از ده هزار نفر تجاوز می کرد و جهان تشیع از آنان و طلاب دیگر، معارف و فرهنگ دینی خود را به دست می آورد. حوزه نجف اشرف به مرور به بزرگ ترین و جامع ترین حوزه علمی تبدیل شد که در تاریخ هزار ساله آن، عالمان و مجتهدان فراوانی در آن پرورش یافتند (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۶).

عالمانی همچون، میرزای شیرازی، پرورش صدها مجتهد را بر عهده داشتند. مرحوم آخوند محمد کاظم خراسانی از شاگردان میرزای شیرازی در تحولات علمی این حوزه نقش بسزایی

داشتند. سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد حسین اصفهانی، حاج آقا ضیاءالدین عراقی و حاج آقا حسین بروجردی سال‌ها از محضر وی بهره‌مند شدند که خود پس از آخوند خراسانی از علما و مراجع گرانقدر شیعه به‌شمار می‌آیند. پس از فوت مرحوم آخوند خراسانی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله طباطبایی یزدی دو تن از بزرگان علمای نجف در مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود شرکت می‌کردند و نقش مهمی در تحولات آن زمان عراق و ایران داشتند. آیت‌الله سید محسن حکیم و آیت‌الله خویی دو تن از فقها و مراجع بزرگ شیعه هستند که در تکاپوی علمی و فرهنگی نجف اشرف نقش بسزایی را ایفا کردند، و پرورش صدها مجتهد را بر عهده داشتند. امام خمینی نیز با هجرت به نجف اشرف و پانزده سال تدریس و پرورش صدها مجتهد و عالم، همگام با مبارزات و روشنگری‌های سیاسی و اجتماعی که بر ضد رژیم استبدادی پهلوی انجام می‌داد، نقش مؤثری در پایه‌گذاری بینش سیاسی، اجتماعی در حوزه‌های علمیه قم و نجف داشت. ایشان مفهوم ولایت فقیه را طی یک سلسله دروس حوزه‌ای در زمینه حکومت اسلامی که در سال ۱۹۷۰ در نجف ایراد شد، بسط و گسترش دادند (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

راهکارهای پیشنهادی در حوزه فرهنگ

با توجه به شناخت مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در کشور عراق، می‌توان راهبردهایی را برای ارتقاء و بازتولید قدرت نرم ایران در کشور عراق پیشنهاد داد و در عرصه سیاست‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار گیرد. برخی از این پیشنهادها عبارتند از:

برگزاری دائمی و مستمر جشن‌های تاریخی-مذهبی مشترک میان عراق و ایران با حضور مقامات بلندپایه دو کشور و پاسداشت این جشن‌ها و مراسم در دو کشور، گرامی داشت اعیاد ملی عراق توسط مسئولین کشور در راستای تقویت و تحکیم روابط فرهنگی میان دو کشور، تقویت و گسترش زبان فارسی در کشور عراق و میان فارسی‌زبانان این کشور از طریق برگزاری سمینارها، همایش‌ها، تولید برنامه‌های آموزشی و تلویزیونی و رادیویی، و پخش کتب فارسی در محیط‌های علمی این کشور (زیرا خیلی از دانش‌آموختگان حوزوی عراق با زبان فارسی آشنایی دارند)، تقویت سازمان‌های مذهبی و فرهنگی میان دو کشور و افزایش نقش آفرینی سازمان‌های فرهنگی ایران در عراق، افزایش روابط انجمن دوستی ایران و عراق و حمایت مسئولین کشوری

ایران از این انجمن ها، همراهی با شیعیان عراق، جلب توجه و حمایت آن ها برای پشتیبانی از سیاست های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران، تقویت روابط حوزه های علمیه دو کشور ایران و عراق و افزایش سطح ملاقات های علمای حوزوی دو کشور با یکدیگر می باشد.

نتیجه گیری

مفهوم قدرت نرم برای اولین بار توسط جوزف نای در راستای بازسازی چهره ی سخت قدرت مطرح گشت. جوزف نای قدرت نرم را استفاده یک کشور از قدرت برای دستکاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش ها و رفتارهای سیاسی آنان را قدرت نرم می داند که به توانایی شکل دهی به اولویت های دیگران به منظور اینکه آنچه شما می خواهید، متکی است و مبتنی بر پذیرش مخاطبان قبول کننده است، از این رو امری بسیار دشوار و پیچیده می باشد. در عین حال؛ جوزف نای معتقد است که قدرت نرم در سیاست خارجی، استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی است که منجر به پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود. وی منابع قدرت نرم را در فرهنگ و ارزش های فرهنگی، دین و ارزش های سیاسی، سیاست خارجی یا دیپلماسی عمومی می داند که هم زیستی قدرت نرم و سخت تنها با استفاده از هر دو نوع قدرت در بالاترین سطح تصمیم گیری تحقق می یابد. این محیط پیچیده و به هم وابسته مستلزم رهیافتی چندبعدی در توزیع و کاربرد قدرت است.

از آنجایی که تمرکز این پژوهش، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق می باشد، به بررسی یافته های پژوهش می پردازیم. یکی از کشورهایی که برای جمهوری اسلامی ایران مهم است و ایران در این کشور دارای منابع عظیم قدرت نرم است، عراق می باشد. با توجه به اهمیت های استراتژیک عراق، بررسی منابع قدرت نرم ایران در این کشور بسیار حائز اهمیت است زیرا می تواند به تقویت و بازتولید قدرت نرم ایران کمک شایانی نماید. بخش مهمی از منابع قدرت نرم نظام های سیاسی مربوط به فرهنگ است و کشورهایی که دارای پتانسیل های فرهنگی غنی و صبغه تاریخی گسترده در امور فرهنگی هستند ظرفیت های بالقوه مناسبی برای اعمال قدرت نرم فرهنگی دارند. در عین حال، اعمال قدرت میان دو کشوری که دارای فرهنگ های نزدیک به هم هستند، در بسترهای نرم افزاری صورت می گیرد. اعمال قدرت میان دو

کشور عراق و ایران نیز تحت شعاع این موضوع قرار دارد. به عبارتی دیگر، مهم ترین و بیشترین منابع قدرت نرم ایران در کشور عراق، تشابهات فرهنگی و تاریخی بین دو کشور می باشد. که سیاستمداران کشور می توانند نهایت استفاده را از این ابزار بکنند.

منابع

۱. احدی، افسانه (۱۳۸۸). «برنامه هسته ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «گفتگو: قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، فصلنامه بسیج، شماره ۳۲.
۳. بزرگر، کیهان (۱۳۹۷). عراق جدید و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی-دفتر گسترش تولید علم.
۴. برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۳). «شیعیان عراق، بررسی وضعیت جامعه شناختی»، فصلنامه شیعه شناسی، سال دوم، پاییز، شماره ۷.
۵. بهرام شاهی، مهدی (۱۳۹۷). «تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش های شیعی عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس»، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۴۹.
۶. بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی.
۷. پارساپور، روزبه (۱۳۹۰). بغدادنامه (بررسی ریشه های ایرانی کشور عراق، بر پایه مستندات تاریخی)، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس.
۸. پورا احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۹۶). تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۰. داداندیش، پروین و احدی، افسانه (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، بهار، شماره ۱.
۱۱. دادفر، سجاد (۱۳۸۹). «تحول و دگردیسی در نمای جامعه شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل-پیامدها)»، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۲.
۱۲. درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت ها، اقدامات، اولویت ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵). کلیات روابط بین الملل. تهران: نشر مخاطب.
۱۴. عسگری، محمود (۱۳۹۰). قدرت افکنی؛ الزامی برای دارندگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۵. عطارزاده، مجتبی و اعظم خانی (۱۳۹۱). «فرصت‌ها و چالش‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات جهان اسلام، سال اول، تابستان، شماره ۲.
۱۶. غفاری هاشجین، زاهد و همکاران (۱۳۸۹). «وضعیت اجتماعی عراق پس از نظام بعثی»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال چهارم، بهار و تابستان، شماره ۱۲.
۱۷. فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷). در افتخاری، اصغر و دیگران، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، چاپ اول.
۱۸. فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱). «برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق»، فصلنامه پانزده خرداد، سال دهم، دوره سوم، شماره ۳۴.
۱۹. فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم (۱۳۹۴). شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، چاپ اول، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.
۲۰. قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۸). «مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال؛ با تأکید بر اندیشه آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، بهار، شماره ۴۵.
۲۱. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پاییز، شماره ۱.
۲۲. کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸). «سیرتاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، سخن تاریخ، شماره ۷.
۲۳. محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. مرادی، حجت‌الله (۱۳۹۸). قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشر ساقی.
۲۵. مظفری، فرشته (۱۳۸۴). «جایگاه قدرت نرم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره ۸.
۲۶. نای، جوزف (۱۳۸۳). «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میر طاهر، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۶.

27. Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means of Success in World Politics*, New York: Public Affairs.